



[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

# قصه‌های عاشقانه‌ی هالیوود

داستان‌های عاشقانه‌ی واقعی  
از روزهای طلایی پرده‌ی نقره‌ای  
نیلوفر امن زاده جیل پال

|                     |   |                                                                                                                                     |
|---------------------|---|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | پل، گیل، ۱۹۶۰ - م.ر.                                                                                                                |
| عنوان و نام پدیدآور | : | Paul, Gill<br>قصه‌های عاشقانه‌ی هالیوود: داستان‌های عاشقانه‌ی واقعی از روزهای طلایی پرده‌ی نقره‌ای/ جیل پال؛ مترجم نیلوفر امن‌زاده. |
| مشخصات نشر          | : | تهران: حوض نقره، ۱۳۹۴.                                                                                                              |
| مشخصات ظاهری        | : | ۱۹۲ص: مصور (بخشی رنگ).                                                                                                              |
| شابک                | : | ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۴-۳۰۰-۳                                                                                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | فیبیا                                                                                                                               |
| یادداشت             | : | عنوان اصلی: Hollywood love stories : true love stories from behind the silver screen .                                              |
| عنوان دیگر          | : | عاشقانه و واقعی از روزهای طلایی پرده‌ی نقره‌ای.                                                                                     |
| موضوع               | : | بازیگران سینما                                                                                                                      |
| شناسه افزوده        | : | امن‌زاده، نیلوفر، مترجم                                                                                                             |
| رده بندی کنگره      | : | ۱۳۹۴ ق۸/پ۸/۲/۱۹۹۸ PN                                                                                                                |
| رده بندی دیویی      | : | ۷۹۷۴۳-۹۲۲                                                                                                                           |
| شماره کتابشناسی     | : | ۴۰۸۰۶۸۸                                                                                                                             |

# قصه‌های عاشقانه‌ی هالیوود

نویسنده: جیل پال

مترجم: نیلوفر امن‌زاده

ژانر: رمانتیک، سحر عظیمی

۲۲۰ تومان

نسخه

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۴

لیتوگرافی: نگارین پورتنی

چاپ: صفیه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۴-۳۰۰-۳

تلفن: ۸۸۹۶۸۸۴۹-۸۸۸۲۱۵۹۹



نشر حوض نقره

[www.howzenoghre.com](http://www.howzenoghre.com)

[www.howzenoghre.ir](http://www.howzenoghre.ir)

کتاب‌فروشی حوض نقره:

پایین‌تر از تجربه‌ی باغ فردوس، موزه‌ی سینما

۲۷۷۳۶۵۵۴

# فهرست

## دراگلس فرینکس و هری پیکفورد

صفحه‌ی ۲۰

داگ و مری - اولین زوج ستاره‌ی هالیوودی - آن‌قدر معروف بودند که وقتی در ۱۹۲۰ به ماه عسل رفتند، تجمع طرفداران برای دیدنشان آن‌قدر زیاد بود که اغتشاشاتی در پاریس و لندن رخ داد.

## رودولف والتینو و ناتاشا راجچوا

صفحه‌ی ۳۲

نام مستعار ناتاشا «قدیدا» بود؛ اما ظاهر یخی او وقتی آب شد که به رودولف احساساتی و دل‌شکسته از وطن ایتالیا دور مانده بود نزدیک شد.

## جاک جیبرت و گریتا گابرو

صفحه‌ی ۳۴

گریتا به خاطر خودخواه و پیش‌بینی‌ناایست بودنش چنان عصبانی می‌کرد، اما رابطهی آن‌ها صمیمی‌ترین رابطهای بود که گابرو تمام عمرش تجربه کرد.

## کلارک گیبل و کارول لودوین

صفحه‌ی ۵۶

کلارک مشهورترین خوش‌گذران هالیوود بود و کارول زن باهوش و بسیار باهوش بود که او را رام کرد - حداقل مدتی!

## اسپنسر تریسبی و کاترین هیپورن

صفحه‌ی ۶۸

این فوق‌العاده است که کاترین و اسپنسر توانستند رابطهی ۲۶ ساله‌شان را از همسر اسپنسر مخفی نگه دارند، این‌که کاترین معزوز حاضر شد نقش دوم را قبول کند هم باورنکردنی‌ست.

## لارنس اولیویه و ویوین لین

صفحه‌ی ۸۰

ویوین و لاری زوج طلایی تئاتر انگلیس بودند و در اواخر دهه‌ی سی نامشان امریکا را پر کرده بود. البته بعد از ازدواجشان این شهرت کاهش یافت.

## فدریکو فلیتی و جولیتا جاسینا

صفحه‌ی ۹۲

فلیتی نابغه‌ی بی‌نظیر سینمای ایتالیا بود و جولیتا عشق و همسر فداکارش. اما این رابطه پشت درهای بسته اصلاً آن چیزی نبود که به نظر می‌رسید.

## همفری بوگارت و لورن باکال

صفحه‌ی ۱۰۴

پتی و بوگی اولین زوج فیلم نواز هالیوود بودند و با رابطه‌شان به مردم یاد دادند که تفاوت سنی در خوش‌بختی تأثیری ندارد.

## روبرتو روسلینی و اینگرید برگمن

صفحه‌ی ۱۱۶

روبرتو دیوانه‌ای لبخند اینگرید بود و عقیده داشت که این لبخند «کالیفرنمای جنوبی را روشن می‌کند». اما جامعه‌ی آمریکایی از رابطهی آن‌ها وحشت‌زده بود.

## فرانک سیناترا و آوا گاردنر

صفحه‌ی ۱۲۸

فرانک و آوا وقتی که رابطه‌شان را شروع کردند هر دو معتاد به خوش‌گذرانی بودند، یکی از دوستانشان می‌گفت این رابطه مثل «نزدیک کردن یک گریت روشن به تاریکی است».

## ایو جونتان و سیمون سینوره

صفحه‌ی ۱۴۰

عشقی که بهترین تجربه‌ی زندگی ایو و سیمون بود، در یک نگاه اتفاق افتاده بود. اما این عشق در سایه‌ی حضور مشهورترین الهه‌ی هالیوود لکه‌دار شد.

## آرتور جیلر و مریلین مونرو

صفحه‌ی ۱۵۲

«روشنگر با ساعت‌شنی عروسی می‌کند». این تیتیر یک روزنامه دیمورد ازدواج مریلین و آرتور بود؛ ازدواجی که هیچ‌کس انتظار دواش را نداشت. البته کسی هم نمی‌توانست حدس بزند که این ازدواج چه فاجعه‌بار تمام می‌شود.

## وینون و الیزابت تیلور

صفحه‌ی ۱۶۴

واتیکان تیلور را محکوم به زناکاری آمریکا سنی کرد از بازگشت او به کشور جلوگیری کند، اما عشق ریچارد وینون و الیزابت تیلور متوقف‌ناپذیر بود.

## استیو مک‌کوین و جک گرو

صفحه‌ی ۱۷۶

استیو در دهه‌ی هفتاد شخصیت منفی محبوب هالیوود بود و الی، ستاره‌ی مشهورترین فیلم گریه‌دار؛ اما سر‌نوشت مقدر کرده بود که قصه‌ی عشق آن‌ها طوفانی باشد.

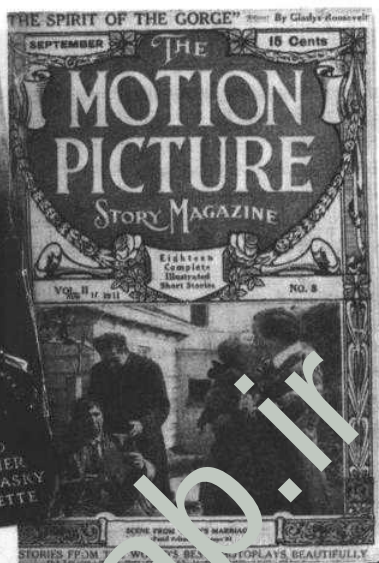
ازدواج‌های هالیوودی جنجال‌برانگیز هستند و همیشه همین‌طور بوده‌اند. ستون‌های شایعات و تیرهای روزنامه‌ها آغاز رابطه‌ها را با بوق و کرنا اعلام می‌کنند، حرف‌های زوج‌ها در مورد عشق نامیرای‌شان را نقل می‌کنند، عکس‌های درخشان عروسی را چاپ می‌کنند، و بعد به شمارش معکوس روزهای باقی‌مانده تا درهم‌پاشیدن این ازدواج‌ها می‌پردازند. میکی رونی، ترنر و الیزابت تیلور هرکدام هشت‌بار ازدواج کردند و هر ستاره‌ی هالیوودی در «دوران طلایی هالیوود» (که زمان آن از ۱۹۲۷ تا حدود سال‌های ۱۹۴۸ یا ۴۹ است) به‌طور میانگین سه یا چهار بار ازدواج کرده است. با توجه به این‌که هنرپیشه‌ها هم انسان‌هایی هستند که به اندازه‌ی همه‌ی ما - و شاید حتی بیشتر - به عشق نیاز دارند، چرا آمار طلاق باید این‌قدر بالا باشد؟

### سال‌های نخست

صنعت فیلم در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ متولد شد؛ وقتی که سی و پنج تماشاچی در کافه گراند پاریس نشستند تا فیلم کوتاهی اثر برادران لومی‌یر را ببینند. این رسد پیشرفت عظیمی بود، اما هنرپیشه‌های تئاتر را به اندازه‌ی کافی جذب نمی‌کرد؛ آن‌ها عقیده داشتند ظاهر شدن روی سلولوید برای‌شان کسر شأن است. هنرپیشه‌هایی که کار دیگری نمی‌توانستند پیدا کنند، قبول کردند که در اولین فیلم‌ها بازی کنند، اما نمی‌خواستند اسمشان در تیتراژ بیاید. با این حال، مردم خیلی زود شیفته‌ی بازیگران شدند و به آن اسم‌ها معیار دادند: فلورانس لارنس «دختر بیوگراف» بود چون اسمش را از استودیو بیوگراف کار می‌کرد؛ مری پیکفورد «مری کوچولو» به هم‌نام کودکی که نقشش را بازی کرده بود؛ و به مکتب روزنامه نام «برونکو بیلی» داده بودند، شخصیتی که چند بار موردش بازی کرده بود. در ۱۹۱۱ مجله‌های فوتوپلی و موشن پیکچر/استوری تأسیس شدند تا خوانندگان به ماجراهای داخلی فیلم‌های درحال‌تولید دسترسی داشته باشند و در ۱۹۱۴ لوئلا پارسونز نخستین ستون شایعات هالیوودی‌اش را نوشت. این ستون‌ها چیزی را ثابت کردند که کارفرمایان سینما سعی در انکارش داشتند: این‌که مردم تشنه‌ی شنیدن اطلاعات در مورد زندگی خصوصی این هنرپیشه‌های

فلورنس لارنس دختر بیوگراف.  
شهرت او ریشه‌ی حقه‌ای تبلیغاتی بود: استودیو شایعه کرد او در تصادف اثر بیل از دنیا رفته و بعد گزارشی طولانی در روزنامه چاپ کرد تا اعلام کند او زنده است و فیلم جدیدش به زودی آماده می‌شود.





مجله‌ی فوتوپلی، نوامبر  
۱۹۱۴، و مجله‌ی موشن پیکچر  
/ استوری، سپتامبر ۱۹۱۱. این  
مجله‌ها فیلم‌های در حال  
تولید را توصیف می‌کردند و  
مطالبی هم در مورد زندگی  
ستاره‌ها می‌نوشتند.

زیبا هستند. همچنین معلوم شد که طرفداران به بیشه‌های مورد علاقه‌شان متعهدند و حاضرند پول بدهند تا فیلم‌ها را به آنجا ببرند. بنابراین هر فیلم همیشه تماشاچیان ثابت و آماده‌ای داشت. تا این‌جا خوب بود، اما کارفرمایان استودیوها دیگر نمی‌توانستند با خیال راحت ایده‌های آماده و - لب و دشان را در اختیار هنرپیشه‌ها بگذارند. آن‌ها نمی‌خواستند هنرپیشه‌ها مشهور این قدرت را داشته باشند که دست‌مزد بالاتری درخواست کنند، چون این مسئله سودآوری فیلم‌ها را زیر سؤال می‌برد. در نتیجه، آن‌ها قراردادهایی می‌نوشتند که در آن برای چند سال حقوقی هفتگی تعیین می‌شد. اگر میزان فروش فیلمی که ستاره‌ای خاص در آن هنرگامی می‌کرد به حد انتظار نمی‌رسید، استودیو می‌توانست از زیر بار پول دادن به بازیگر در برود، اما بازیگر باید تا پایان قرارداد با استودیو همکاری می‌کرد.

در اوایل دهه‌ی بیست، ذهن کارفرمایان استودیوها بر مشکل دیگری متمرکز شده بود: رفتار ستاره‌ها. بازیگران جذاب همین که در محیط تپ‌دار محل فیلم‌برداری دور هم جمع می‌شدند و از آن‌ها خواسته می‌شد صحنه‌های عشقی بازی کنند، با هم وارد رابطه می‌شدند. بعضی‌هایشان حتی به خاطر هم همسرشان را ترک می‌کردند - و این در دورانی بود که جامعه به اصول اخلاقی پای‌بند بود و طلاق وجهه‌ی عمومی خوبی نداشت. خیلی‌هایشان هم برای جشن گرفتن شهرت تازه به دست‌آمده‌شان می‌گساری می‌کردند و مدام در حال خوش‌گذرانی بودند و شرح رسوایی‌هایی که با مصرف مواد مخدر به بار

یک تصویرسازی در ۱۹۳۹ در مورد رابطه‌های عشقی هالیوود. هم شایعه‌ها (مثل رابطه‌ی گریتا گاربو و لئوپولد استوکوسکی، تایرون پاور و سونیا هنری/ژانیت گینور) و هم آن‌هایی که به ازدواج ختم شد (همه جز هاوارد هیوز و کاترین هپبورن).

~~سیکس سٹور~~

در طول دهه‌ی ۱۹۲۰، پنج استودیوی عمده در هالیوود مترو گلودین میر (MGM)، پارامونت، وارنر برادرز، فاکس قرن بیستم و اضافه کنید به این‌ها تعداد زیادی استودیوی کوچک دیگر مثل کلمبیا، یونیورسال و یونایتد آرتیستز. هرکدام از این استودیوها تهیه‌کنندگان و کارگردانان اختصاصی، فضایی وسیع مخصوص فیلم‌پردازی و فهرستی از هنرپیشگان و دست‌اندرکاران فیلم داشتند که با آن‌ها قراردادهای طولانی‌مدت می‌بستند. به دست آوردن چنین قراردادی رؤیای تمام پسرها و دخترهای آمریکا بود، و مجله‌ها فهرست‌هایی از پاتوق استعدادیاب‌ها را چاپ می‌کردند تا بازیگران آینده بتوانند بهترین لباس‌های‌شان را بپوشند و امیدوارانه آن‌جا تردد کنند. اگر بازیگری مورد توجه قرار می‌گرفت، برای تست به هالیوود فرستاده می‌شد و اگر چهره‌اش به اندازه‌ی کافی فتونیک بود، فوراً در خط تولید استودیو

قرار می‌گرفت. داشتن یا نداشتن مهارت بازیگری تأثیر کمی بر این انتخاب داشت، اما اشتیاق برای صمیمی شدن با کارفرماها در خیلی از استودیوها امتیازی قطعی بود.

از هنرپیشه‌ها خواسته می‌شد تغییر زیادی در خودشان ایجاد نکنند. قبل از هر چیز، احتمالاً اسمشان عوض می‌شد: لوسیل فی لوسور تبدیل شد به جوآن کرافورد، و آرکیبالد الکساندر لیچ تبدیل شد به گری گرانت. بعد نوبت مشخصات ظاهری بود: ابروها برداشته می‌شد، دندان‌ها صاف می‌شد، مو مدل می‌گرفت و در مورد طرز لباس پوشیدن و آرایش به بازیگرها آموزش داده می‌شد. در بعضی مواقع، بازیگر می‌خواستند رژیم بگیرد و به وزنی برسد که روی صفحه‌ی تلویزیون خوب به نظر برسد؛ مثلاً به جودی گارلند چنین گفته بودند از قشای لاغری حاوی آمفتامین استفاده کند تا وزن پایین بیاید. قرص‌هایی که او بعداً به آن‌ها معتاد شد، استودیوها برای هر یک از ستاره‌هایشان یک تمثال و یک شخصیت انتخاب می‌کردند. آن‌ها را در فیلم‌های بازی می‌دادند که این شخصیت ساختگی را از ستاره‌ی دهه‌ی ۱۹۳۰ لاس فرینکس یک قهرمان دلیر و شجاع بود؛ گریتا گاربو نقش مریخی لوند را داشت، کلودت گُیر کم‌دین مضحک بود و کلارک گیبل یک خوش‌گذران خوش‌سر و زبان. اگر بازیگری می‌خواست ژانرش را عوض کند، حتماً باید ضرر از دست دادن طرفداران فیلم‌بازش را به جان می‌خورد؛ بنابراین این اتفاق به ندرت می‌افتاد.



در ۱۹۲۱، آریوکل تپله پدروآمدترین بازیگر هالیوود بود. در ۱۹۲۲، ستاره‌ی بختش افول کرد.

### رسوایی‌های اوایل دهه‌ی ۱۹۳۰

کم‌دین معروف، راسکو آریوکل (مشهور به آریوکل تپله) در سپتامبر ۱۹۲۱ در هتلی یک مهمانی دوروزه‌ی رسوایی‌آور برپا کرد. یکی از مهمان‌ها هنرپیشه‌ی سی‌ساله‌ای به نام ویرجینیا رپی بود. او در مهمانی مریض شد و بعداً در اثر پریتونیت حاد و پارگی مثانه از دنیا رفت. یکی از دوستان ویرجینیا ادعا داشت که آریوکل به او تجاوز و حمله کرده و باعث مرگش شده. در عرض شش ماه، سه دادگاه برگزار شد تا آریوکل کاملاً تبرئه شود. اما مطالب احساسی و جنجالی‌ای که روزنامه‌ها می‌نوشتند به این معنا بود که اعتبار و زندگی شغلی او به طرز جبران ناپذیری آسیب دیده است. یک هنرپیشه‌ی زن به نام میلی نورماند معتاد به کوکائین بود و احتمالاً همین اعتیاد در ۱۹۲۲ باعث شد معشوق او - ویلیام دزموند تیلور، کارگردان پارامونت، به‌دست یک موادفروش عصبانی به قتل برسد. و وقتی که توماس اینس (کارگردان فیلم مریخی متعلق به ویلیام راندولف هارست) در میان کار از هوش رفت و بعداً جان سپرد، همه به دلیل بی‌خوابی ناشی از این که هارست به او شلیک کرده بود، او را با چارلی چاپلین اشتباه گرفته: کسی که شش‌هفته‌اش با معشوقه‌اش ماریون دیویر رابطه داشت و بعد دکتر اینس شهادت داد که او از سکنه‌ی قلبی مرده، اما این گفته هیچ‌وقت شایعه‌سازها را ساکت نکرد.

### قوانین هیز

در ۱۹۲۲، استودیوها از ویل ایچ هیز (که اعتقادهای مذهبی داشت و سن و سالی هم از او گذشته بود) خواستند که برای فیلم‌ها یک مرام‌نامه‌ی اخلاقی تبیین کند. فهرستی که او نوشت، مخلوطی از «مواظب باشید»‌ها و «مبادا»‌ها بود. «مبادا»‌ها شامل فحش دادن، برهنه شدن به تفریح کشیدن استفاده از مواد مخدر یا هر چه زایمان بودند. کارگردان‌ها باید حواصان را جمع می‌کردند تا شیوه‌ی اجرای جرم‌هایی مثل سرزدن، آموزش ندهند و از به تصویر کشیدن فحش و روابط زناشویی پرهیز می‌کردند. در «قوانین هیز» و «مواظب باشید» نام گروه «قوانین هیز» نام گروه «قوانین هیز» اصلی این فهرست این بود که «هیچ تصویری نباید استانداردهای اخلاقی تماشاگران را تنزل دهد». نوشیدن الکل ممنوع بود، جرم‌ها باید با مجازات روبه‌رو می‌شدند و رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج هرگز نباید جذاب نشان داده می‌شد. فیلم‌ها قبل از انتشار باید مجوز می‌گرفتند؛ هرچند فیلم‌سازها راه‌های زیرکانه‌ای برای دور زدن قوانین پیدا می‌کردند. الکی‌ها را می‌شد از نیم‌رخ در حال نوشیدن الکل نشان داد و مرد و زن را می‌شد در تخت‌خواب به تصویر کشید البته تا وقتی که پای یکی از آن‌ها روی زمین قرار داشت. در دهه‌ی پنجاه، در نتیجه‌ی رقابتی که با فیلم‌های رئالیست سایر کشورها ایجاد شد، فهرست قوانین جایگاهش را از دست داد و در ۱۹۶۷ جایش را با سیستم امتیازدهی عوض کرد.

استودیوها انتظار داشتند رفتار ستاره‌های‌شان در پشت صحنه انعکاس تصویر روی صحنه‌شان باشد و از همه‌ی بازیگران خواسته می‌شد یک بند اخلاقی را امضا کنند و قول بدهند که هیچ کاری نمی‌کنند که اعتبارشان به خطر بیفتد. بازیگران زن اگر لباس‌های‌شان بی‌عیب و نقص نبود و آرایش کامل نداشتند نباید از خانه خارج می‌شدند و بازیگران مرد همیشه باید مثل آقایان باشخصیت و محترم رفتار می‌کردند، چون همه‌جا جاسوسانی وجود داشتند که همه‌چیز را با اشتیاق به ستون‌های شایعات روزنامه‌ها گزارش می‌دادند. در ساحل غربی، این وظیفه‌ی خطیر بر عهده‌ی لوتلا پارسونز بود که با هدا هاپر و شیل گرام گروهی را تشکیل داده بودند که به تثلیث غیرمقدس معروف بود. والتر وینچل هم شایعه‌پرداز بی‌پروای نیویورکی بود که هیچ‌چیز از چشمش مخفی نمی‌ماند. اگر برای زندگی شغلی‌تان ارزش قائل بودید، هرکاری که می‌توانستید می‌کردید تا رضایت این شخصیت‌های پر قدرت را جلب کنید، چون آن‌ها می‌توانستند با چند خط نوشته، یک بازیگر را از کار بی‌کار کنند. آن‌ها به حقیقت نیاز نداشتند؛ چند کنایه و اشاره هم برای کارشان کافی بود.



## با این همه مشکل پیش رو، قطعاً انتظار می‌رفت هنرپیشه‌ها محتاطانه قدم بردارند. اما این اتفاق به ندرت می‌افتاد.

با این همه مشکل پیش رو، قطعاً انتظار می‌رفت هنرپیشه‌ها محتاطانه قدم بردارند. اما این اتفاق به ندرت می‌افتاد. تقریباً هیچ‌کدام از هنرپیشه‌های عصر طلایی هالیوود به یک ازدواج بسنده نکردند و تا آخر عمر به یک نفر وفادار ماندند. وسوسه همه‌جا حضور داشت و در بعضی موارد، به نظر می‌رسید هنرپیشه‌ها

عاشق شخصیت باشکوهی می‌شوند که هم‌بازی‌شان در فیلم به تصویر می‌کشد؛ و حقیقت تلخ وقتی بر آنها تابان می‌شد که دیگر فیلم‌نامه‌نویسی نبود که دیالوگ خارج از صحنه را بنویسد. در همان دوران، که فهرست قوانین رفتاری (مثل قوانین هیز) هنرپیشه‌ها را به بازتاب ارزش‌های اخلاقی مذهبی در فیلم‌ها تشویق می‌کرد، تقریباً پشت صحنه‌ی همه‌ی فیلم‌ها روابط پنهانی خارج از دوربین در حال شکل گرفتن بود.

### نقش زن‌ها

رابطه‌های خارج از ازدواج هنرپیشه‌ها به شکل جدی بود که کارفرمایان استودیوها را به خطر می‌انداخت. تعدادی هنرپیشه‌ی هم‌جنس‌گرا هم وجود داشتند که با فاش شدن رازشان یک‌شبه چندین شغل سینمایی از بین می‌رفت. تعدادی زیادی از کسانی که به الکل اعتیاد داشتند هم مدام به این حرفه جذب می‌شدند، هرچند فحش‌ها در طول دوران ممنوعیت (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳) غیرقانونی بود. استودیوها برای مقابله با این موضوع و سایر رفتارهای دردسرساز ستاره‌ها، رویکردی دو جانبه داشتند.

اولاً این‌که در دوران اوج قدرت استودیوها - بین دهه‌ی ۱۹۲۰ تا دهه‌ی ۱۹۴۰ - می‌شد ستاره‌ها را به خاطر انحراف‌های‌شان مجازات کرد. دست‌مزدهای‌شان قطع می‌شد، یا بدتر، فرصت نقش‌آفرینی در بهترین فیلم‌ها را از آنها می‌گرفتند. آن‌ها براساس قراردادهای بسیار ملزم بودند در طول یک‌سال تعداد مشخصی فیلم بسازند و اگر بدرفتاری می‌کردند، فقط فیلم‌های معمولی به آن‌ها پیشنهاد می‌شد، یا به استودیوهای دیگر قرض داده می‌شدند تا در فیلم‌های معمولی آن استودیوها بازی کنند.

دومین واکنش به کارهای رسوایی‌آمیز بازیگران، خاموش کردن آتش به‌دست تبلیغات‌چی‌های استودیوها بود. این افراد شجاع، با مقامات بالا دوست می‌شدند تا بتوانند افسران پلیس و دادستان‌های منطقه را با پول بخرند و اجازه ندهند جرم‌هایی مثل رانندگی در مستی یا استفاده از سلاح‌های گرم (مثل آوا گاردنر و فرانک سیناترا که در ۱۹۴۹ در شهری نزدیک پالم اسپرینگز به چراغ‌های خیابان شلیک کردند) را در پرونده‌ی بازیگران ثبت کنند. تبلیغات‌چی‌ها محتاطانه رابطه‌شان با روزنامه‌نگاران شایعه‌ساز را هم حفظ می‌کردند تا اگر یکی از آن‌ها خبر رسوایی‌آوری شنید، بتوان او را متقاعد کرد که در موردش ننویسد.

صفحات ۱۱ و ۱۲  
ویل بیگز. کسی که به  
معرکه آورده شد تا صنعت  
فیلم را پاک‌سازی کند.  
تهیه‌کنندگان باید قبل  
از شروع فیلم‌برداری،  
فیلم‌نامه‌های‌شان را به او  
نشان می‌دادند.



راک هادسون در مراسم  
اولین نمایش فیلم *غول*  
در ۱۰ اکتبر ۱۹۵۶، همراه  
همسرش فیلیس گیتس.  
فیلیس ادعا داشت که وقتی  
ازدواج کردند از مشکل  
شوهرش خبر نداشت.

مثلاً از 'ایک' شهادت معاوضه‌ی ماجرا با یک ماجرای شخصی دیگر.  
در ۱۹۵۵، وقتی مجله‌ای خصوصی می‌خواست مطلبی را در مورد راک هادسون چاپ  
کند، نماینده‌ی آن مجله با پیشنهاد او دادن دو ماجرای خصوصی از مشتریان دیگرش،  
جلوی این تصمیم را گرفت و به‌طور فوری ترتیب ازدواج هادسون با منشی‌اش - فیلیس  
گیتس - را داد. این ازدواج هرگز منتهی به نداشتن ماجرای هادسون به راز سرگشاده‌ای در  
هالیوود تبدیل شد، اما این راز تا بعد از مرگ او در اثر ایندز در ۱۹۸۵، به رسانه‌ها راه  
نیافت. در ۱۹۴۸، وقتی رابرت میچم را در حال کشیدن ماری‌جوانا در آپارتمان هنرپیشه‌ای  
جوان (که همسرش نبود) یافتند، این موضوع ممکن بود به زندگی شغلی‌اش پایان بدهد،  
اما پس از آن‌که از استودیو عذرخواهی کرد مدت کوتاهی او در زندان گذراند و بعد  
به همسر و خانواده‌اش برگشت. خوش‌بختانه او در زندان نقش یک ضدقهرمان مشکوک را  
بازی می‌کرد، نه یک مرد خانواده‌ی وفادار را. وقتی این نقش برگمن درست بعد از بازی در  
نقش راهبه همسرش را ترک کرد، محافظت از اعتبار او سخت‌تر شد. معمولاً ستاره‌های  
مشهورتر نجات داده می‌شدند و عمر شغلی دوباره‌ای به آن‌ها داده می‌شد، اما تعداد  
زیادی از بازیگران تازه‌کار، به خاطر انحراف‌هایشان دور انداخته می‌شدند و دیگر هرگز  
نامی از آن‌ها شنیده نمی‌شد.

### حقیقت پشت عشق‌های روی صحنه

در یک شب اتفاق افتاد (۱۹۳۴) عنوان یک کمدی جذاب است با بازی کلودت گلیز در نقش یک دختر لوس ثروتمند که عاشق خبرنگاری رند (کلارک گیل) می‌شود. رابطه‌ی آن‌ها خیلی رمانتیک است، اما گلیز یکی از تنها ستاره‌هایی بود که گیل هرگز نتوانست اغوایش کند. وقتی پُل هنرید در فیلم *حالا مسافر* (۱۹۴۲) دو سیگار روشن کرد و یکی از آن‌ها را به پَت دیویس داد، لحظه‌ای کلاسیک در عشق‌های فیلمی رقم خورد، اما هیچ علاقه‌ای بین دو بازیگر وجود نداشت؛ دیویس تلاش کرده بود از همکاری‌اش با او جلوگیری کند چون او به نظرش شبیه یک «ژینگولوی کله‌روغنی» بود. اسپنسر تریسی و کاترین هپبورن با هم در ۹ فیلم از نوع فیلم‌های «جنگ زن و مرد» بازی کردند، اما مردم تا بعد از مرگ تریسی نمی‌دانستند چیزی بیش‌تر از روابط روی صحنه بین آن‌ها وجود داشته است. اینگبری برگمن و همفری بوگارت وقتی کازابلانکا (۱۹۴۲) را ساختند هر دو به شدت درگیر رابطه‌ی عاشقانه‌ی با هم‌نوع دیگری بودند، درست مثل ویوین لی و کلارک گیل در طول ساخت فیلم *بر باد رفته* (۱۹۳۹). اما تعداد زیادی فیلم رمانتیک هست که یک رابطه‌ی عاشقانه بین دو هنرپیشه را رقم زده؛ مثلاً در فیلم *تابستان گرم طولانی* (۱۹۵۸) وقتی نیومن در نقش یک آواره توانست جوآن وودوارد در نقش معلم مدرسه را اغوا کند، رابطه‌ای عاشقانه بین آن‌ها برقرار شد که تا مرگ نیومن در ۲۰۰۸ ادامه داشت.



## ستاره‌ها هم می‌جنگند

پس از جنگ جهانی دوم، سیستم‌های استودیویی هالیوود شروع به ازهم‌پاشیدن کردند. دادخواست ضدانحصار فرامین پارامونت (۱۹۴۸) به این معنا بود که استودیوها دیگر نمی‌توانند خودشان مسئولیت توزیع فیلم‌ها را بر عهده بگیرند، بلکه باید با توزیع‌کنندگان مستقل وارد معامله شوند. این به این معنا بود که هیچ تضمینی در مورد ادامه‌ی ساخت فیلم‌های بی‌ارزشی که صرفاً برای سر کار نگه داشتن بازیگرها ساخته می‌شد وجود نداشت. فیلم‌های کمتر به معنای ستاره‌های کمتر بود و خیلی از هنرپیشه‌ها بی‌کار می‌شدند.

بعد، جنگ سرد فضایی از ترس و وحشت را همه‌جا پخش کرد. همه نگران نفوذ کمونیست‌ها در جامعه‌ی سرمایه‌داری بودند. سناتور جو مک‌کارتی بعد از شنیدن گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت‌های ضدامریکایی، توجه‌اش را بر هالیوود متمرکز کرد. بعضی از راستی‌ها مثل والت دیزنی و لویی بی. مایر با خوش‌حالی با او همکاری کردند، اما گروهی از فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانانی که «ده عضو هالیوود» نام داشتند به جرم همکاری با کمونیست‌ها زندانی شدند و صدها نفر در فهرست سیاه قرار گرفتند. جایی که این دولورس دل ریو و پل روبسون مشهورترین هنرپیشه‌هایی بودند که از کارشان محروم شدند. و در حالی که استودیوها هنوز از توهم خطر کمیت‌های فعالیت‌های ضدامریکایی (FJAC) رنج می‌بردند، تلویزیون از راه رسید تا مخاطبان آن‌ها را بدزدد. وقتی می‌توانستی در راحتی خانه‌ات فیلم تماشا کنی، چرا باید به سینما می‌رفتی؟

ده عضو هالیوود، همگی در دهه ۱۹۵۰ وکلای‌شان، در جریان یک کمیت‌های فعالیت‌های ضدامریکایی، هر ده‌ش محکوم شدند چون از پاسخ دادن به پرسش‌هایی در مورد ارتباطشان با کمونیسم سر باز زدند. هر کدام از آن‌ها به تحمل ۶ تا ۱۲ ماه حبس محکوم شدند و در فهرست سیاه قرار گرفتند.





پیت دیویس در یک درام جنایی به نام زن/گشت‌نما (۱۹۳۷): اولین فیلمی که پس از بازگشت اجباری‌اش به هالیوود بازی کرد. این فیلم فیلم‌نامه‌ی خوبی داشت و به ستاره‌شدن او کمک زیادی کرد.

در همین حال بود که هنرپیشه‌ها ضد استودیوهای قراردادهای استودیویی‌شان شورش کردند. در ۱۹۳۶ وقتی که پیت دیویس از فیلم‌نامه‌هایی که وارنر برادرز برایش می‌فرستاد ناامید شد، رفت تا در انگلستان کار پیدا کند. برای استودیو خوب نبود که همه بفهمند با یکی از هنرپیشه‌ها اختلاف پیدا کرده است. وارنر همین، از دیویس شکایت کردند و او را مجبور کردند برگردد. اما در ۱۹۴۴ اولیویا دو هارلو و ددگانی مهم از وارنر برادرز برنده شد و خودش را از قراردادی که با آنها بسته بود خلاص کرد. در طول دهه‌ی پنجاه ستاره‌های بیش‌تری به استودیوها پشت کردند و به نهایی قراردادش نرسیدند. این یعنی آنها کار ضمانت‌شده یا حقوق هفتگی نداشتند، اما آزادی عمل برای انتخاب فیلم‌نامه‌ها را به این مواجب ترجیح می‌دادند. آژانس‌های کشف استعداد یکی پس از دیگری توان زدند بر قدرت استودیوها داشت به ستاره‌ها و نماینده‌های پرقدرتشان (کسانی مثل لیر ویرمن) منتقل می‌شد. این همان سناریویی بود که استودیوها همیشه وحشتش را داشتند: هنرپیشه‌ها درخواست‌های فضایی می‌کردند: هم پیش‌پرداخت می‌خواستند، هم درصدی از درآمدهای گیشه را. کری گرانت ۱۰ درصد از درآمد فروش فیلم دستگیرکردن یک دزد (۱۹۵۵) - که حدود ۷۰۰۰۰۰ دلار می‌شد - را درخواست کرده بود. الیزابت تیلور اولین بازیگری بود که برای بازی در نقش اصلی فیلم کلئوپاترا (۱۹۶۳) یک میلیون دلار دست‌مزد گرفت.



او سرانجام پس از مدتی در مورد مخارج اضافه کاری هایش و مجبور کردن استودیو به استفاده از سهامی که ادعا می‌کرد حق اوست، ۱۰ میلیون دلار طلب کرد و در گرفتن آن پیروز شد. نکته‌ی منفی در مورد ترک کردن استودیو این بود که هنرپیشه‌ها حالا بیش‌تر در خطر رسوایی قرار داشتند. الیزابت تیلور هم یکی از موضوع را کشف کرد که با ریچارد برتون - هم‌بازی‌اش در *کلئوپاترا* - وارد رابطه شد و با بازی از زدن از مصاحبه با ستون‌های شایعه‌نویس، آن‌ها را از خود دور کرده بود و ناسان رسانه‌ها فوراً آن را متوجه شد که منزوی شده است. فاکس قرن بیستم به جای این‌که از او حمایت کند، به جرم بدنام کردن فیلم از او و برتون شکایت کرد؛ البته این پرونده بیرون داد و حل شد. در چند دهه‌ی آینده، ستاره‌ها تبلیغات چی‌های خودشان را استخدام می‌کردند تا از چهره‌شان در مطبوعات محافظت کنند، اما بازیگران متأهلی که با هم رابطه داشتند هنوز هم باعث نوشته شدن تیتروهای جنجالی می‌شدند. در ۲۰۱۲ رابطه‌ی کریستن استوارت با یک کارگردان متأهل، و خیانت به رابرت پایتنسون دوست و هم‌بازی‌اش در فیلم *گرگ و میش*، ثابت کرد که از پنجاه سال قبل که برتون و تیلور برای اولین بار پشت صحنه با هم ارتباط داشتند، اشتیاق مردم برای چنین داستان‌هایی اصلاً کم نشده.

کری گرانت در نقش دزد جواهرات در دستگیر کردن یک دزد (۱۹۵۵) به کارگردانی آلفرد هیچکاک. بازیگر نقش مقابل او، گریس کلی، در اواسط فیلمبرداری عاشق شاهزاده‌ی موناکو شد و در ۱۹۵۶ با او ازدواج کرد.

پیدا کردن عشق واقعی در هالیوود  
زوج‌های هالیوودی که رابطه عاشقانه‌شان  
از امتحان زمان سر بلند بیرون آمد،  
آن‌هایی بودند که می‌توانستند حریم  
خصوصی داشته باشند، فضایی که پس  
از «کات» دادن کارگردان در آن بتوانند  
کشف کنند که آیا وجه اشتراکی با هم  
دارند یا نه. آن‌ها کسانی بودند که  
می‌توانستند در مقابل فشاری که از  
سوی صنعت شایعه‌سازی و استودیوها  
مبنی بر ازدواج فوری‌شان وجود  
داشت مقاومت کنند. آن‌ها پس از  
مدتی رابطه‌ی عاشقانه، پنهانی ازدواج



می‌کردند و به این ترتیب از تبدیل شدن ازدواجشان به  
سبک رسانه‌ای جلوگیری می‌کردند. و وقتی هرکدامشان درگیر بازی در فیلمی در  
گوشه‌ای از جهان بود، تلاش می‌کردند از جدایی‌های طولانی دوری کنند. گاهی  
اوقات زر قدیمی، برمی‌داشت تا مرد بتواند در مرکز توجه قرار بگیرد -  
اما هنوز هم بهتر بود یا مرد در صحنه‌ی فیلم‌برداری برود (مثل لورن باکال در  
فیلم /فریکن کوئین/). اماگران همه می‌دانند که در صحنه‌ی فیلم‌برداری چه رخ  
می‌دهد و این باعث می‌شود همیشه همسران شکاک باشند. به هر حال، خیلی از  
ازدواج‌های سینمایی به این خاطر از زمان سر بلند بیرون می‌آمد که یکی از  
همسران بر بی‌وفایی دیگری چشم می‌پرسید.

شاید ستاره‌های سینما از خیلی‌ها ثروتمندتر باشند، اما وقتی بحث پیدا کردن  
عشق واقعی به میان می‌آید، آن‌ها با مشکلات بهشتی روبرو هستند. این کتاب،  
به افتخار هنرمندانی نوشته شده که عشق واقعی را تجربه کردند و حداقل مدتی،

ریتا هی‌ورث و اولسون ولز در  
آکاپولکو برای فیلم‌برداری خانمی از  
شاکهای (۱۹۴۶). ازدواج سه‌ساله‌ی  
آن‌ها وارد دوران سخت خود شده  
بود. ریتا می‌گفت: «دیگر نمی‌توانم  
نیوگ او را تحمل کنم.» پس از  
آن‌که فیلم‌برداری تمام شد، ریتا  
از او طلاق گرفت و توضیح داد که  
از اول زندگی‌شان واضح بوده که  
اولسون هرگز تن به زندگی خانوادگی  
نخواهد داد.

---

**شاید ستاره‌های سینما از خیلی‌ها ثروتمندتر باشند،**

**اما وقتی بحث پیدا کردن عشق واقعی به میان**

**می‌آید، آن‌ها با مشکلات بیش‌تری روبرو هستند.**

---